یادداشت

غفلت از استراتژی «کوچک زیباست»

مرتضی دارایی-کارشناس صنعت و کسب‌وکار: در کشور ما بنگاه‌های کوچک و متوسط با معضلات و عقب‌ماندگی‌هایی روبه‌رو هستند: فقدان مقیاس‌های لازم از جنبه‌های مختلف سرمایه، تولید و بازار، فقدان محیط‌های مناسب رشد کسب‌وکار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی و...، فقدان زیرساخت و....

همچنین در حالی بر اولویت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی تاکید می‌شود که کارشناسان معتقدند، یکی از راه‌های حل این مسئله، توجه ویژه به بنگاه‌های کوچک و متوسط با توجه به ویژگی‌ها و مزیت‌های آنهاست.

ارزش‌افزوده‌ای که بنگاه‌های کوچک و متوسط تولید می‌کنند، در کشورهای مختلف، چیزی بین یک‌سوم تا نیمی از ارزش‌افزوده کل کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین از ۷۵هزار واحد صنعتی کشور، حدود ۷۰هزار واحد را صنایع کوچک و متوسط معادل بیش از ۹۰درصد صنایع تشکیل می‌دهند. از این تعداد تقریبا ۵۳هزار واحد صنعتی با اشتغال حدود یک‌میلیون نفر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور مستقر هستند.

صنایع به‌طورکلی به صنایع بزرگ، صنایع متوسط و صنایع کوچک تقسیم می‌شوند. هر کشوری متناسب با شرایط خاص خود تعریفی در این خصوص ارائه کرده است. در حقیقت شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. این تعریف‌ها به‌طور عمده براساس معیارهای کمّی از قبیل تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده است.

براساس تعاریف گوناگون، صنایع کوچک به صنایعی گفته می‌شود که به تخصص پیچیده و سرمایه‌گذاری کلان وابسته نیستند؛ صنایعی که در تولید و عرضه، پیچیدگی خاصی ندارند، به نیروی انسانی گسترده نیازمند نیستند، مستقل در مدیریت هستند و موجب رشد کارآفرینی، نوآوری، پویایی، ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش صادرات و درنهایت رشد اقتصادی می‌شوند. در تعاریف سازمان‌های مختلف، شاخص تعداد کارگران به‌صورت مشترک در نظر گرفته شده است.

استراتژی «کوچک زیباست» ابتدا توسط شوماخر، اقتصاددان آلمانی در ادبیات اقتصادی مطرح شد. شوماخر مزایا و خصوصیات بنگاه‌های کوچک و متوسط را این‌طور عنوان می‌کند: بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای ساختار رقابتی هستند، کارآتر عمل می‌کنند، در بحران‌های اقتصادی دوام بیشتری دارند و نقش موثری در افزایش اشتغال و درآمد دارند.

در کشورهای توسعه‌یافته به این مهم توجه شده است که صنایع کوچک موجب ایجاد اشتغال، توسعه کسب‌وکار، کارآفرینی، تولید ثروت و کمک به درآمد ملی می‌شوند. در این کشورها دولت نقش کارآفرینان را به رسمیت شناخته و درک کرده که رسیدن به اهداف توسعه توسط صنایع در مقیاس کوچک آسان‌تر است. درنتیجه با کمک سازمان‌های تخصصی مجموعه خدماتی را ارائه می‌دهد تا انگیزه کارآفرینان برای ایجاد سرمایه‌گذاری، استفاده از امکانات متنوع و درنتیجه رشد مناطق مختلف فراهم شود.

این خدمات و مشوق‌های دولتی شامل کمک‌های مالی و اعتباری، حمایت‌های مالیاتی، وام‌های کم‌بهره، کمک در بازاریابی، بهبود زیرساخت‌ها، صدور مجوز و راهنمایی فنی و آموزشی است. به این ترتیب دولت به‌صورت کوتاه‌مدت برای کارآفرینانی که به دنبال راه‌اندازی صنایع کوچک هستند، ایجاد انگیزه می‌کند و در بلندمدت نیز پایه‌های کارآفرینی در اقتصاد کشور را تقویت می‌کند و کشور را به سمت توسعه پیش می‌برد.

اهمیت صنایع کوچک و متوسط در ایران

اهمیت واحدهای کوچک و متوسط در ایران را از دو بعد کمی و کیفی می‌توان بررسی کرد. از بعد کمی، درصد بسیار بالایی از شرکت‌های موجود در کشور ما و بسیاری از کشورهای جهان را واحدهای کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند و تعداد شاغلان این واحدها قابل‌توجه است. همچنین ارزش‌افزوده‌ای که این واحدها تولید می‌کنند در کشورهای مختلف، چیزی بین یک‌سوم تا نیمی از ارزش‌افزوده کل کشور را تشکیل می‌دهد. به روایت دیگر، از ۷۵هزار واحد صنعتی کشور، حدود ۷۰هزار واحد را صنایع کوچک و متوسط معادل بیش از ۹۰درصد صنایع را تشکیل می‌دهند. از این تعداد تقریبا ۵۳هزار واحد صنعتی با اشتغال حدود یک‌میلیون نفر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور مستقر هستند.

از بعد کیفی، این واحدها می‌توانند بخش خصوصی را در سرمایه‌گذاری‌ها تشویق کنند، چون بخش خصوصی معمولا برای ایجاد واحدهای بزرگ امکانات کافی ندارد. این واحدها همچنین می‌توانند به‌عنوان ابزار مناسبی برای خصوصی‌سازی در نظر گرفته شوند. این واحدها امکان شناخت بازار را دارند و می‌توانند خود را با نیازهای بازار منطبق کنند و به خاطر کوچک بودن، فرآیند تصمیم‌گیری در آنها بسیار سریع است. این واحدها می‌توانند قدرت ابتکار و خلاقیت بیشتری داشته باشند؛ در توزیع فناوری در سطح کشور می‌توانند موفق‌تر باشند و سریعا خود را با فناوری‌های لازم تطبیق دهند و در یک کلام می‌توانند تخصصی عمل کنند که این امر، در واحدهای بزرگ کمتر اتفاق می‌افتد.

معضلات بنگاه‌های کوچک و متوسط

در کشور ما بنگاه‌های کوچک و متوسط با معضلات و عقب‌ماندگی‌هایی روبه‌رو هستند: فقدان مقیاس‌های لازم از جنبه‌های مختلف سرمایه، تولید و بازار، فقدان محیط‌های مناسب رشد کسب‌وکار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی و...، فقدان زیرساخت‌های نرم‌افزاری و تشکیلاتی، تولید با فناوری‌های کهنه و عدم‌دسترسی به فناوری‌های نوین، تولید/ایمنی برندسازی و اصلاح ماژول‌های طبقه چابک‌سازی، فقدان ارتباط منسجم با شبکه‌های بانکی و مالی کشور، نبود شبکه‌های همکاری میان بنگاهی، عدم‌ارائه راه‌حل‌هایی برای توقف بالا بودن نرخ شکست بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح کشور-به‌طوری که این شکاف روی ذهن تازه‌واردها و موسسات مالی و حمایتی از جمله صندوق‌ها نیز تاثیر منفی گذاشته است- و فقدان نقشه راه جهت نیل به اهداف برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور به‌کارگیری مجموعه امکانات و منابع موجود از جمله این معضلات است.

موانع سرمایه‌گذاری

موانع اساسی موجود در ایران برای سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کوچک و متوسط مشتمل بر موارد زیر است: نبود ثبات و امنیت اقتصادی: تصدی‌گری دولت و بخش عمومی در فعالیت‌های اقتصادی، تغییر قوانین، مقررات و سیاست‌های مربوطه، تغییر مکرر نرخ مواد اولیه و واسطه و تغییر تعرفه‌ها، عدم‌رعایت حقوق مالکیت، مخدوش بودن روابط بین عوامل تولید به دلیل نقص در قوانین و اجرای قوانین و مقررات به‌صورت سلیقه‌ای و فقدان ضابطه – عدم‌شفافیت اقتصادی.

وجود تبعیض بین سرمایه‌گذاری مولد و غیرمولد: بازگشت سریع سرمایه در بخش بازرگانی در مقایسه با بخش تولید، بالا بودن هزینه‌های تولید در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر در بخش مولد و عدم‌صرفه در استفاده از منابع مالی با توجه به بالا بودن هزینه‌های مبادلاتی و زمان بازپرداخت.

نبود فرهنگ کار و تولید در جامعه: فقدان نظام آموزش‌وپرورش خلاق‌پرور و مولد، ارزش قائل نشدن برای سرمایه‌گذار مولد، بالا بودن تعداد روزهای مرخصی در سال و مرخصی قانونی سالانه و پایین بودن بهره‌وری نیروی کار.

فقدان بازار داخلی برای تولیدات داخلی: نبود فرهنگ مناسب مصرفی برای استفاده از محصولات داخلی، بالا بودن نرخ محصولات تولیدی و عدم‌ارتباط منسجم و هماهنگ بین صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگ. وجود قوانین و مقررات انعطاف‌ناپذیر و نامناسب (قوانین مربوط به جواز تاسیس، قانون کار، قانون بیمه و تامین اجتماعی و قانون تجمیع عوارض)، نبود قوانین لازم (قانون رعایت حقوق مالکیت مادی و معنوی و قانون صندوق ضمانت اعتبارات)، وجود متولیان متعدد و موازی در زمینه هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تولید، وجود رانت اقتصادی و حمایت مالی از بخش دولتی در مقایسه با بخش خصوصی، عدم‌دستیابی آسان به منابع مالی و تسهیلات زیربنایی و عدم‌ارتباط منسجم بین مراکز علمی و مراکز صنعتی از دیگر موانع سرمایه‌گذاری در بخش صنایع کوچک و متوسط است.

عمده موانع توسعه

به‌طورخلاصه عمده موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد: ۱.موانع بازار مثل وجود خریدهای انحصاری، نوسانات در عرضه و تقاضا، خرید مواد اولیه در مقیاس‌های کم که به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود و...؛ ۲. موانع مالی مانند، مشکلات مربوط به تامین مالی، ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی آسان، تاخیر در دریافت درآمد حاصل از فروش، افزایش فشار نقدینگی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط و...؛۳. عدم‌دسترسی به انواع گوناگون اطلاعات ازجمله، اطلاعات بازاریابی در خصوص بازارهای داخلی و خارجی، اطلاعات در مورد وضعیت مالی و فناوری صنایع کوچک و متوسط برای کمک به سرمایه‌گذاران در انتخاب کسب‌وکارهای مناسب برای سرمایه‌گذاری، اطلاعات فنی و عملیاتی، اطلاعات در مورد منابع تامین مواد اولیه تولید و خریداران، و...؛۴. سیاست‌های دولت، مانند ناتوانی در ایجاد محیط توانمندساز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، موانع اداری برای اخذ عوارض و فقدان نهادهای حل دعاوی احتمالی و...

راهکارهای حمایت از صنایع کوچک

سیاست‌های تشویقی: تشویق توسعه نهادها و سازمان‌های بخش خصوصی با تمرکز بر تشویق صنایع کوچک و متوسطی که منطبق با استانداردهای بین‌المللی است. در این روند با توجه به این سیاست‌ها از کسانی که سرمایه محدود دارند، حمایت می‌شود. اصلاح مقررات و قوانین: بررسی قوانین و روش‌های حاکم بر مالکیت معنوی و تسهیل دسترسی به حقوق مالکیت معنوی.

آموزش‌وپرورش: تمرکز بر توسعه و ارتقای آموزش‌وپرورش برای نوآوری و سرمایه‌گذاری است. این روند ضمن آنکه دانشگاه را تشویق به اجرای دوره‌های کارآفرینی برای دانشجویان و کارآفرینان بالقوه می‌کند، به دانشگاهیان اجازه می‌دهد تا به ارائه خدمات برای شرکت‌های کوچک و متوسط بپردازند. بهبود دسترسی به اطلاعات: در این روند جریان اطلاعات بین سازمان‌های مختلف و شرکت‌های متوسط در گردش است. همچنین بر استفاده از رایانه‌های شخصی و اینترنت برای دسترسی به اطلاعات، حسابداری و تجارت الکترونیک تاکید می‌شود. توصیه‌های سیاستی در جهت حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط: طراحی، تدوین و اجرای ساختار نهادی نظام‌مند، چابک و کارآمد در رده‌های مختلف حکومت، تاسیس نهادهای مشاوره مالی و بازرگانی، ایجاد و توسعه بانکداری بنگاه‌های کوچک و متوسط و ساماندهی بنگاه‌های کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های کسب‌وکار از جمله توصیه‌های سیاستی در جهت حمایت از بنگاهای کوچک و متوسط است.

مهم‌ترین بسته‌های سیاستی دولت‌ها برای ارائه خدمات به بنگاه‌های کوچک و متوسط: سرمایه‌گذاری، پشتیبانی کسب‌وکار و تامین مالی مشترک، تضمین‌های ویژه و وام‌دهی مستقیم و معافیت یا تعویق در پرداخت مالیات از مهم‌ترین بسته‌های سیاستی دولت‌ها برای ارائه خدمات به بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

مهم‌ترین اقدامات لازم برای ارائه خدمات بانکی به بنگاه‌های کوچک و متوسط: استراتژی و دانش کافی از بازار بنگاه‌های کوچک و متوسط، تعامل با دولت، دسته‌بندی بازار، کالاها و خدمات، هزینه‌های عملیاتی پایین، مدیریت نوآورانه ریسک و توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط از مهم‌ترین اقدامات لازم برای ارائه خدمات بانکی به بنگاه‌های کوچک و متوسط است.

چالش‌های بزرگ برای صنایع کوچک

شکننده‌های صنعت

سهم ۹۲ درصدی صنایع کوچک و متوسط در اشتغال، تولید و صادرات، موضوعی است که گویای جایگاه این مراکز در اقتصاد کشور است. صنایعی که تا پیش‌ازاین بسیار تأثیرگذارتر، اما به علت مشکلات این سال‌ها، بخشی از آن‌ها، راکد و به حالت کما درآمده‌اند. حال‌آنکه اشتغال‌زایی و زودبازده بودن از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مزایای صنایع کوچک به شمارمی آید.

بر اساس گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس، بخش صنعت در یک دهه گذشته به یک بیماری حاد مبتلا گشته که بارزترین نشانه این بیماری، کاهش توان اشتغال‌زایی است.

طبق داده‌های این مرکز، رابطه بین رشد تولید بخش صنعت و رشد اشتغال واحدهای صنعتی معکوس و نرخ اشتغال صنعتی در سال‌های اخیر، بسیار ناچیز بوده است. پدیده‌ای که با شدت زیادی کشورهای صنعتی را درگیر خود نموده به‌طوری که تحولات فناورانه، فرصت‌های اشتغال را کاهش داده است. ایران نیز باوجود صنایعش به‌ویژه فراوانی صنایع کوچک، با چنین بیماری حادی دست‌به‌گریبان است اما نه به دلایلی که کشورهای نوظهور، درگیر آن شده‌اند بلکه گسترش پدیده رشد بدون اشتغال صنعت، طبق گزارش‌های مراجع رسمی تحقیقاتی و آماری، تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی به‌ویژه تحریم بوده است. این واقعیت به‌طور شفافی از طریق گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز آمار ایران، پژوهشکده بانک مرکزی و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی مشخص می‌شود.

این‌چنین که تحریم‌های بین‌المللی شرایط سخت و شکننده‌ای به بنگاه‌های صنعتی کوچک و بزرگ تحمیل کرده و از اوایل دهه ۹۰ تاکنون، وضعیت، رضایت‌بخش نیست. صنایعی مانند غذایی و آشامیدنی، پوشاک و نساجی، لوازم‌خانگی، مبلمان و دکوراسیون داخلی، الکترونیکی، لوازم‌التحریر، بهداشتی و آرایشی و... که می‌توانند علاوه بر تأمین نیازهای داخلی با گرفتن شرکای تجاری قدرتمند و صاحب‌نام هم برندینگ خود را توسعه دهند و هم اینکه با تولید مشترک با برندهای دیگر در بازارهای جهانی وارد رقابت شوند اما ظاهراً شرایط به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده است.

صنایع کوچک در جدال با چالش‌ها

بدون تردید اصفهان به‌عنوان صنعتی‌ترین استان کشور، صنایع کوچک فراوانی را در خود جای‌داده است به گونه ای که بنا به گفته مسوولانش دارای سهم ۱۴ درصدی از صنایع کوچک بوده و همین صنایع از پایه‌های مهم اشتغال‌زایی در بخش صنعت استان محسوب می‌شوند.

بنگاه‌هایی که بنا به دلایلی مانند خشک‌سالی‌های متوالی، بی‌آبی رودخانه زاینده‌رود و کاهش شدید فعالیت‌های کشاورزی در اصفهان، توسعه آنها می‌تواند سهم بزرگی را در کاهش آمار بیکاری و رشد اشتغال‌زایی ایفا کند.

اما چالش‌ها به میزانی بوده که هر بار موانع و محدودیت‌هایی بر سر راه توسعه این مراکز صنعتی به وجود آمده است.

در این سال‌های سخت تحریم با فشار بحران‌ها و ابر چالش‌هایی چون بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات ارزی تنش‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی، گرانی و تورم بالا، رکود شدید، افزایش نقدینگی، سقوط ارزش پول ملی، خروج سرمایه و روند منفی رشد سرمایه‌گذاری، مهاجرت نیروی متبحر، کاهش قدرت خرید و افزایش مسائل معیشتی شرایط برای ارتقای جایگاه صنایع به‌ویژه کوچک‌ها چندان مهیا نشد، ضمن آنکه قطعی گاز و برق، اتلاف انرژی و یارانه‌های پنهان، گرانی و کمبود مواد اولیه موجب افزایش شدید هزینه‌های تولیدشده و این شرایط، بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط را در مقایسه با واحدهای تولیدی بزرگ، به‌مراتب آسیب‌پذیرتر کرده است.

اگرچه عده‌ای براین باورند تولید در همین سال‌های بحران به‌خوبی رو به انجام است اما این مشکلات اشاره‌شده هم که فقط بخشی از موانع فعالیت صنعتگران است غیرقابل‌انکار است.

به گفته فعالان صنعت، نبود طراحی ساختار قوانین کشوری در بخش‌های گوناگون برای صنایع کوچک از مهم‌ترین مشکلات این حوزه است زیرا قوانین بانک‌ها و حتی شهرک‌های صنعتی و دریافت مجوز و...بیشتر بر اساس ویژگی‌های خاص صنایع بزرگ تدوین و اجرایی شده‌اند و صنایع کوچک در این چارچوبی که مختص آنها نیست، دچار بلاتکلیفی می‌شوند. حال‌آنکه بار اصلی اشتغال در کشور بر عهده صنایع کوچک، متوسط و خانگی است که در این سال‌ها هم باوجود همه موانع، تأثیرات مثبت خود را به‌خوبی نمایان کرده‌اند.

اما باوجود اهمیت این بنگاه‌ها در اقتصاد، همواره در جدال با قوانین بانک‌ها، تأمین اجتماعی، دارایی و...بوده‌اند و اغلب، قوانین موجود، پاسخگوی نیازهای آنها و حل مشکلاتشان نیست. درصورتی که اگر به این صنایع به‌عنوان موتور محرک توسعه پایدار با نگاهی ویژه توجه شود و حمایت‌های لازم از آنها انجام گیرد آنها یکی از متغیرهای اصلی برای رشد و رونق تولید داخل و افزایش یافتن صادرات به شمار می‌آیند وهم زمان شاهد بالا رفتن میزان اشتغال‌زایی در کشور خواهیم بود.

صنایع کوچک باید حمایت شوند؟

در این میان مسئولان و مدیران صنعتی نیز با اشاره بر مشکلات فعالان حوزه صنایع کوچک، بر مباحثی تأکید دارند که در ادامه به بخشی از آنها پرداخته می‌شود.

برخی معتقدند ماهیت و فلسفه وجودی تعدادی از بنگاه‌های تولیدی از بین رفته و محصول و خدمات آن شرکت‌ها در بازار موضوعیت ندارد اما بازهم از این بنگاه‌ها حمایت می‌شود. محمود اولیایی عضو هیات مدیره فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب‌وکار ایران با انتقاد از مدل سیاست‌های حمایتی صنایع کوچک و متوسط می‌گوید: وقتی بنگاه تلاشی برای به‌روزرسانی محصول خود نمی‌کند چرا باید حمایت از آن ادامه داشته باشد؟

و می‌افزاید: توسعه علمی در کشور مغفول مانده در بنگاه‌های بخش خصوصی هم اهتمامی به آن نمی‌شود. لذا تزریق پول و تسهیلات به این بنگاه‌ها مشکل آنها را حل نخواهد کرد. در شرایطی که مدیریت کیفیت در بسیاری از صنایع کوچک تعطیل‌شده است اما همچنان از این صنایع حمایت می‌شود. دیدگاه عده‌ای دیگر هم آن است به‌طورمعمول از این صنایع حمایت‌شده است و تاکید دارند باید از تجربیات کشورهای موفق برای این صنایع استفاده شود.

حمیدرضا فولادگر رئیس شورای راهبری بهبود محیط کسب‌وکار اظهارمی کند: در طول مجالس گذشته همواره حمایت‌های قانونی لازم از صنایع کوچک و متوسط و شهرک‌های صنعتی انجام‌شده است و لازم است بر اجرای این قوانین نظارت و آسیب‌شناسی شده و از تجربیات کشورهای موفق در جهت توسعه صنایع کوچک و متوسط در کشور استفاده شود. اما ازنقطه‌نظر برخی از مدیران صنعتی هم حمایت از صنایع اندک و لازم است در جهت رشد و توسعه آنها کاری انجام گیرد. محمدرضا برکتین عضو هیات نمایندگان خانه صنعت، معدن و تجارت در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد به چالش‌هایی اشاره می‌کند که درمجموع بخش صنعت را درگیر خود نموده ولی در برابر به‌جای حمایت، انتظاراتی چون مالیات دهی‌های زیاد از سوی این صنایع وجود دارد. درصورتی‌که فقدان حمایت، معضل اصلی برای تولیدکنندگان اصفهان است. وی با تأکید بر کاسته شدن نسبی از فشار مشکلات بر حوزه صنعت تصریح می‌کند: موانع و محدودیت‌هایی که در این حوزه وجود دارد خواه‌ناخواه بر صنایع کوچک ضربه بیشتری وارد می‌آورد و نه مرتبط با این‌یکی دو سال اخیر بلکه در طول سالیان به عللی چون تحریم، رکود، رکود، تورم و... وجود داشته که هرسال هم برشدت آن افزوده‌شده است.

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی یادآور می‌شود: و دراین‌بین، محدودیت‌ها و بروکراسی‌های بخش صنعت برای دریافت هر نوع مجوزی فراوان‌تر از دیگر بخش‌های اقتصادی است و این‌گونه تولیدکننده‌ای که باید تمرکز وتوان خود را صرف تولید باکیفیت کند مشغول معضلاتی می‌شود که ریشه آن را باید درجایی دیگر جست‌وجو کرد.

و می‌افزاید: اگر دولت با رویکردی ویژه به این بخش نگاهی داشته باشد و حمایت‌هایی انجام دهد بسیاری از مشکلات صنعتگران هم حل خواهد شد.

به گفته برکتین حدود ۶۰۰ واحد صنعتی راکد در استان اصفهان است که بخش قابل‌توجهی از آنها صنایع کوچک و متوسط هستند.

وی تأکید می‌کند: در این شرایط دولت است که می‌تواند با حمایت از آنها و رفع موانع، بستری را فراهم آورد که به تولید بازگردند. ضمن آنکه واحدهایی هم که در حال فعالیت هستند برای وارد نشدن به چرخه رکود، نیازمند نگاه و رویکردی جدی‌تر از سوی متولیان هستند.

سخن پایانی

تجربه کشورهای موفق در عرصه سامان‌دهی صنایع کوچک نشان می‌دهد که صنایع کشور ما هم نیازمند تدابیری کارآمد برای ساماندهی هستند. بنا بر اعلام سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران ۳۵ بسته حمایتی از صنایع کوچک در این سازمان وجود دارد که در قالب مدل‌های منطقه‌ای و محلی برای آموزش، اعزام و پذیرش هیات‌های تجاری، برگزاری نمایشگاه‌ها و حمایت از خوشه‌های صنعتی ارائه می‌شود.

برنامه‌هایی مانند انتقال فناوری از شرکت‌های مادر تخصصی به این شرکت‌ها، ارتقای منابع انسانی از طریق آموزش‌های تخصصی، پیاده‌سازی سیستم‌های به‌روز مدیریتی و صنعتی، بازنگری در سیاست‌های مالیاتی، کاهش محدودیت‌های بازرگانی و قوانین دست و پاگیر ازجمله مواردی است که در جهت رفع چالش‌ها و موانع پیشروی واحدهای صنعتی کوچک و متوسط، پیشنهاد داده می‌شود. چه‌بسا این صنایع به فرآیند توسعه در تمامی ابعاد اقتصادی کمک کرده و روند رشد اقتصادی کشور را سرعت می‌بخشد.